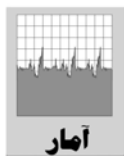




شماره: ۳۲
۱۳۸۸ / ۷ / ۲۰



معرض کتابها
و آثار منتشره



آمار



معرض سمینارها
و کنفرانس ها...



اخبار کوتاه

های اقتصادی و سوء تغذیه در میان شمار زیادی از جمعیت خواهیم بود.

تا ۲۰۵۰ روند تقاضا برای مواد غذایی یک روند رو به رشد می باشد. میزان تقاضا برای غلات چه برای استفاده غذایی و چه برای خوراک دام به ۳ میلیارد تن بالغ خواهد شد. که نسبت به رقم امروزی ۲/۱ میلیارد تن افزایش را نشان می دهد.

سوخت های زیستی می توانند روند عرضه و تقاضا را تحت الشعاع قرار دهند که البته این بستگی به قیمت انرژی و سیاست های دولت ها خواهد داشت. تقاضا برای محصولات دیگر (نظیر محصولات دامی و لبنی، روغن نباتی) که در برابر درآمدهای بالا حساس هستند در کشور های در حال توسعه سریعتر از تقاضا برای غلات رشد خواهد کرد.

پیش بینی ها نشان می دهد که تغذیه جمعیتی بالغ بر ۹ میلیارد نفر در سال ۲۰۵۰ نیازمند افزایش کلی تولید مواد غذایی به میزان ۷۰ درصد بین سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۵۰ خواهد بود. تولید در کشور های در حال توسعه نیز می باید دو برابر گردد. تولید غلات بایستی افزایش یک میلیارد تن در سال پیدا نماید و تولید گوشت می باید با افزایش ۲۰۰ میلیون تنی به ۴۷۰ میلیون تن در ۲۰۵۰ برسد که ۷۲ درصد آن نیز سهم کشورهای در حال توسعه خواهد بود و این در حالی است که ۵۸ درصد نسبت به سطح امروزی افزایش نشان می دهد.

کشاورزی جهان تا ۲۰۵۰ (بر گرفته از آخرین گزارش های سازمان خواروبار و کشاورزی)

کشاورزی در قرن ۲۱ با چالش های متعددی روبرو می باشد. این بخش اقتصادی نیازمند تولید غذای بیشتر برای یک جمعیت روبه رشد است در حالی که نیروی کار آن کمتر خواهد شد. این بخش نیازمند تولید خوراک دام مورد نیاز برای بازار های وسیع سوخت های زیستی بوده و در توسعه کلی کشور های در حال توسعه ی کشاورزی محور، سهم به سزایی خواهد داشت. بخش مذکور همچنین نیازمند شیوه های تولید پایدار، موثر، کارآمد و انطباق و سازگاری با تغییرات آب و هوایی است.

جمعیت جهان در ۲۰۵۰ با یک افزایش ۲/۳ میلیارد نفری به بیش از ۹ میلیارد نفر بالغ خواهد شد. در عین حال درآمد سرانه در سال ۲۰۵۰ چند برابر سطوح فعلی خواهد بود. طبق نظر کارشناسان سرعت رشد کشورهای در حال توسعه در آینده نیز همچنان از سرعت رشد کشور های توسعه یافته سریعتر خواهد بود. نابرابری درآمد سرانه در آن سال کاهش خواهد یافت. با این حال در منطقه های مختلف این تفاوت و نابرابری قابل ملاحظه خواهد نمود. رشد اقتصاد جهانی طبق پیش بینی، سالانه حدود ۲/۹ درصد رشد پیدا نموده و این امر به تولید قابل توجهی منجر خواهد گردید که حتی شاید به حذف فقر مطلق اقتصادی در کشور های در حال توسعه نزدیک گردیم. با این حال در ۲۰۵۰ ما همچنان شاهد وجود معضل محرومیت

تجارت کشاورزی در ۲۰۵۰

در سال ۲۰۵۰، تجارت کشاورزی نیز توسعه چشمگیری خواهد یافت. واردات محض غلات از سوی کشورهای در حال توسعه تا ۲۰۵۰ حدود سه برابر شده و به ۳۰۰ میلیون تن خواهد رسید و این میزان ۱۴ درصد مصرف غلات آنان را تامین خواهد نمود. خودکفایی در امر تولید غلات در منطقه خاور نزدیک و شمال آفریقا، کند و پائین بوده و بستگی به واردات مواد غذایی خواهد داشت ولی با این حال از ۵۹ درصد در سال های ۲۰۰۸ - ۲۰۰۶ به ۵۴ درصد در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید. این در حالی است که آمریکای لاتین و کشورهای حوزه کارائیب در این خصوص به خودکفایی خواهند رسید.

صادرات محض روغن نباتی و دانه های روغنی از سوی کشورهای در حال توسعه تا سال ۲۰۵۰ سه برابر خواهد شد و به ۲۵ میلیون تن بالغ می گردد. صادرات محض شکر نیز دو برابر شده و به ۲۰ میلیون تن در آن سال می رسد. در این جا نیز مساله سوخت های زیستی و قیمت آن عاملی تعیین کننده در تحقق این پیش بینی ها هستند.

یافته است. عمده افزایش این نوع اراضی در منطقه زیر صحرای آفریقا و آمریکای لاتین خواهد بود. اراضی تجهیز شده برای کشت آبی تا ۳۲ میلیون هکتار (۱۱ درصد) رشد نشان می دهد در حالی که اراضی تحت کشت رشد ۱۷ درصدی را نشان می دهد. برای این رشد دو علت برشمرده شده است: استفاده بهتر از آب و کاهش سطح زیر کشت برنج. کمبود آب شاید سرعت رشد آهسته تری به خود بگیرد اما با این حال تا سال ۲۰۵۰ هنوز برابر ۱۱ درصد (۲۸۶ کیلومتر مکعب) خواهد بود.

بازده محصول به نسبت گذشته سرعت رشد کمتری خواهد داشت. به طور میانگین نرخ رشد سالانه عملکرد محصول در طول دوره پیش بینی (تا ۲۰۵۰) حدود نیمی (۰/۸ درصد) از نرخ رشد تاریخی خواهد بود (۱/۷ درصد، ۰/۹ درصد و ۲/۱ درصد برای کشورهای در حال توسعه). رشد عملکرد غلات کندتر شده به ۰/۷ درصد در سال (۰/۸ درصد برای کشورهای در حال توسعه) خواهد رسید. میانگین بازده غلات تا ۲۰۵۰ از ۳/۲ تن در هکتار فعلی به ۴/۳ تن در هکتار افزایش خواهد داشت.

وضعیت اراضی کشاورزی در ۲۰۵۰

۹۰ درصد رشد جهانی تولید محصولات (۸۰ درصد در کشورهای در حال توسعه) حاصل عملکرد و بازده بالای محصول و افزایش کشت متراکم خواهد بود و مابقی این رشد ناشی از افزایش سطح زیر کشت می باشد.

زمین های آبی حدود ۷۰ میلیون هکتار (کمتر از ۵ درصد) بیشتر خواهند شد. این میزان در کشورهای در حال توسعه ۱۲۰ میلیون هکتار خواهد بود (۱۲ درصد) که جبران کننده کاهش ۵۰ میلیون هکتاری (۸ درصدی) این اراضی در کشور های توسعه

افزایش سرمایه گذاری برای تحقق اهداف

۲۰۵۰

تا افق ۲۰۵۰ کشاورزی نیازمند میلیارد ها دلار سرمایه گذاری خواهد بود. یک سرمایه گذاری خالص سالانه ۸۳ میلیارد دلاری در کشاورزی کشورهای در حال توسعه برای تغذیه جمعیت ۹/۱ میلیارد نفری آنان در سال ۲۰۵۰ لازم است. در مجموع برای نیل به این مقصود، سرمایه گذاری در کشاورزی نیازمند یک افزایش ۵۰ درصدی است.

سرمایه گذاری مورد نیاز علاوه بر تولیدات دامی و زراعی می باید مشمول خدمات حمایتی از قبیل امکانات انبار سازی و ذخیره سازی، و تسهیلات بازاری

نیز بشود. در این سرمایه گذاری حدود ۲۰ میلیارد دلار به تولیدات زراعی و ۱۳ میلیارد دلار به تولیدات دامی باید که اختصاص یابد. بخش مکانیزاسیون بیشترین سرمایه را به خود اختصاص خواهد داد و این حاصل ترویج و بهبود امر آبیاری است. ۵۰ میلیارد دلار دیگر نیز برای خدمات لازم است تا بتوان به رقم ۷۰ درصدی توسعه جهانی تولیدات کشاورزی تا ۲۰۵۰ دست یافت.

بیشتر این سرمایه گذاری، هم در کشاورزی پایه و هم در خدمات، از سوی بخش خصوصی صورت خواهد گرفت. علیرغم سرمایه گذاری بخش خصوصی، بخش دولتی هم بایست کارکرد بهتری را در سیستم کشاورزی و امنیت غذایی ارائه دهد. اولویت های مورد نظر برای بخش دولتی شامل این موارد خواهد بود:

(۱) توسعه در پژوهش های کشاورزی

(۲) زیر ساخت های با مقیاس بزرگ نظیر جاده ها، بنادر، نیروگاه ها و نیز تمهیدات و مقررات کشاورزی و خدمات ترویجی

(۳) تربیت و آموزش به ویژه آموزش زنان، مسائل بهداشتی، تهیه و توزیع آب سالم، و مسائل بهداشتی.

در سال ۲۰۰۰ مجموع هزینه کردهای جهانی از سوی دولت ها در حوزه توسعه و پژوهش های کشاورزی بالغ بر ۲۳ میلیارد دلار گردید در عین حالی که این میزان بسیار متغیر بوده است. بین سال های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۵ کمک های رسمی توسعه ای به بخش کشاورزی تحت شرایط واقعی حدود ۵۸ درصد کاهش یافت و در طول این دوره سهم این کمک ها از ۱۷ درصد به ۳/۸ درصد تنزل پیدا نمود. این رقم در حال حاضر حدود ۵٪ می باشد. از سرمایه گذاری خالص جدید پیش بینی شده در کشاورزی حدود ۲۹ میلیارد دلار باید در دو کشور هند و چین که دارای بیشترین جمعیت هستند صرف شود. از نقطه نظر منطقه ای، منطقه زیر صحرای آفریقا نیازمند یک سرمایه گذاری

۱۱ میلیارد دلاری خواهد بود. آمریکای لاتین و حوزه کارائیب ۲۰ میلیارد دلار، خاور نزدیک و شمال آفریقا ۱۰ میلیارد دلار، جنوب آسیا ۲۰ میلیارد دلار و شرق آسیا به ۲۴ میلیارد دلار سرمایه نیاز خواهند داشت.

از نقطه نظر سرانه، پیش بینی های بعمل آمده، نشان دهنده تفاوت های منطقه ای حاصل از تاثیر سرمایه گذاری جدید است. با در نظر گرفتن نرخ رشد متفاوت جمعیت، آمریکای لاتین نیروی کار خود را در بخش کشاورزی به نصف خواهد رساند در حالی که در منطقه زیر صحرای آفریقا این حجم نیرو دو برابر خواهد شد. این بدان معناست که تا ۲۰۵۰، کارگران کشاورزی در آمریکای لاتین ۲۸ برابر هممتایان خود در منطقه زیر صحرای آفریقا، پس انداز - یا دارایی فیزیکی شامل تجهیزات، زمین و دام - خواهند داشت. سرمایه گذاری مستقیم خارجی در بخش کشاورزی در کشور های در حال توسعه می تواند سهم قابل ملاحظه ای در پر کردن خلاء سرمایه گذاری داشته باشد.

فراخوان جهانی غذا از سوی فائو

عدم امنیت غذایی در سطح جهان وضعیت حادثتری به خود گرفته است و خطری جدی برای انسان ها به شمار می آید. در حالی که قیمت ها در کشور های در حال توسعه همچنان بالا باقی مانده، شمار مردمی که از گرسنگی در رنج اند طی سال های اخیر در حال افزایش بوده است. بحران جهانی اقتصاد با تاثیراتی که بر اشتغال و فقر دارد اوضاع را خراب تر ساخته است. فائو برآورد نموده که شمار گرسنگان جهان در سال ۲۰۰۹ با یک افزایش ۱۰۰ میلیون نفری به یک میلیارد نفر خواهد رسید.

مدیر کل فائو با در نظر گرفتن "بحران خاموش گرسنگی" واکنش سریع جهان را خواستار شده و این فراخوان را اعلان داشته است. عدم اعتنا به بخش

تغییرات آب و هوا: تاثیر بر کشاورزی و هزینه های انطباق با شرایط

این نام گزارشی است که از سوی ۱۴ تن از کارشناسان موسسه بین المللی پژوهش های سیاست های غذایی (IFPRI) در ماه اکتبر به چاپ رسیده است. این گزارش ضمن پرداختن به مساله تغییرات آب و هوا در سطح جهان به پیامد های این مهم در بخش کشاورزی می پردازد و در نهایت نتایج زیر را ارائه نموده است:

- در کشور های در حال توسعه تغییرات آب و هوا سبب کاهش تولید بیشتر محصولات اصلی و مهم می شود و در این میان کشورهای جنوب آسیا بیشترین صدمه را خواهند دید.

- تغییر آب و هوا تاثیراتی منفی بر عملکرد محصولات تحت کشت آبی خواهد داشت. این اتفاق منتج به افزایش قیمت کالاهای اصلی کشاورزی نظیر برنج، گندم، ذرت و سویا شده و قیمت بالای خوراک دام نیز به افزایش قیمت گوشت منتهی خواهد شد. همچنین مصرف گوشت کاهش اندکی پیدا نموده لیکن از مصرف غلات به حد زیادی کاسته خواهد شد. در پی کاهش تولید و افزایش قیمت ها ما شاهد کاهش مصرف مواد غذایی اصلی بوده و در نتیجه با سوء تغذیه در میان جوامع به خصوص در میان کودکان روبرو خواهیم بود. این محققان چنین پیشنهاد کرده اند که برای جبران کمبود کالری در میان افراد می باید یک سرمایه گذاری برابر ۷/۱ تا ۷/۳ میلیارد دلار در امر ارتقای بهره وری کشاورزی صورت پذیرد.

کشاورزی و عدم سرمایه گذاری مناسب در این بخش علت این بحران برشمرده شده است. چالش های پیش روی بخش از دیدگاه مسئولین این فراخوان عبارت اند از:

۱) حذف گرسنگی در جهان: نه تنها تامین غذای کافی برای جمعیتی که تا سال ۲۰۵۰ با یک رشد ۵۰ درصدی به ۹ میلیارد نفر خواهد رسید، بلکه یافتن راه هایی که متضمن دسترسی افراد به غذا باشد.

۲) اعمال یک سیستم موثر و هماهنگ تر مدیریتی در امر امنیت غذایی هم در سطح ملی و هم در سطح فراملی

۳) حصول اطمینان از این که کشورهای در حال توسعه از شانس عادلانه رقابت در بازار های جهانی برخوردارند و سیاست های حمایتی کشاورزی موجب انحراف تجارت بین المللی به صورت غیر عادلانه نخواهد شد.

۴) جستجوی راه هایی برای حصول اطمینان از این که کشاورزان در کشور های در حال توسعه و توسعه یافته به درآمدی خواهند رسید که قابل مقایسه و برابری با درآمد کارگران بخش های دیگر باشد.

۵) بسیج سرمایه گذاری بخش های خصوصی و دولتی در کشاورزی و زیر ساخت های روستایی و حصول اطمینان از این که در کشورهای در حال توسعه و به خصوص در کشور های با درآمد پائین، کشاورزان دسترسی لازم به نهاده های مدرن برای افزایش تولید مواد غذایی را دارند.

۶) در نظر داشتن وضعیت کشورهایایی که دچار بحران شدید غذایی هستند و توجه به نیاز واجب و ضروری آن ها به کمک های غذایی.

۷) حصول اطمینان از این که کشورها آمادگی سازگاری و تطبیق با تغییرات آب و هوایی و کاهش تاثیرات منفی آن را دارند.

تهیه کننده: احسان عباسلو

**کمیته تخصصی ترجمه، مدیریت پردازش یافته های تحقیقاتی،
موسسه پژوهشهای برنامه ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه
روستایی.**